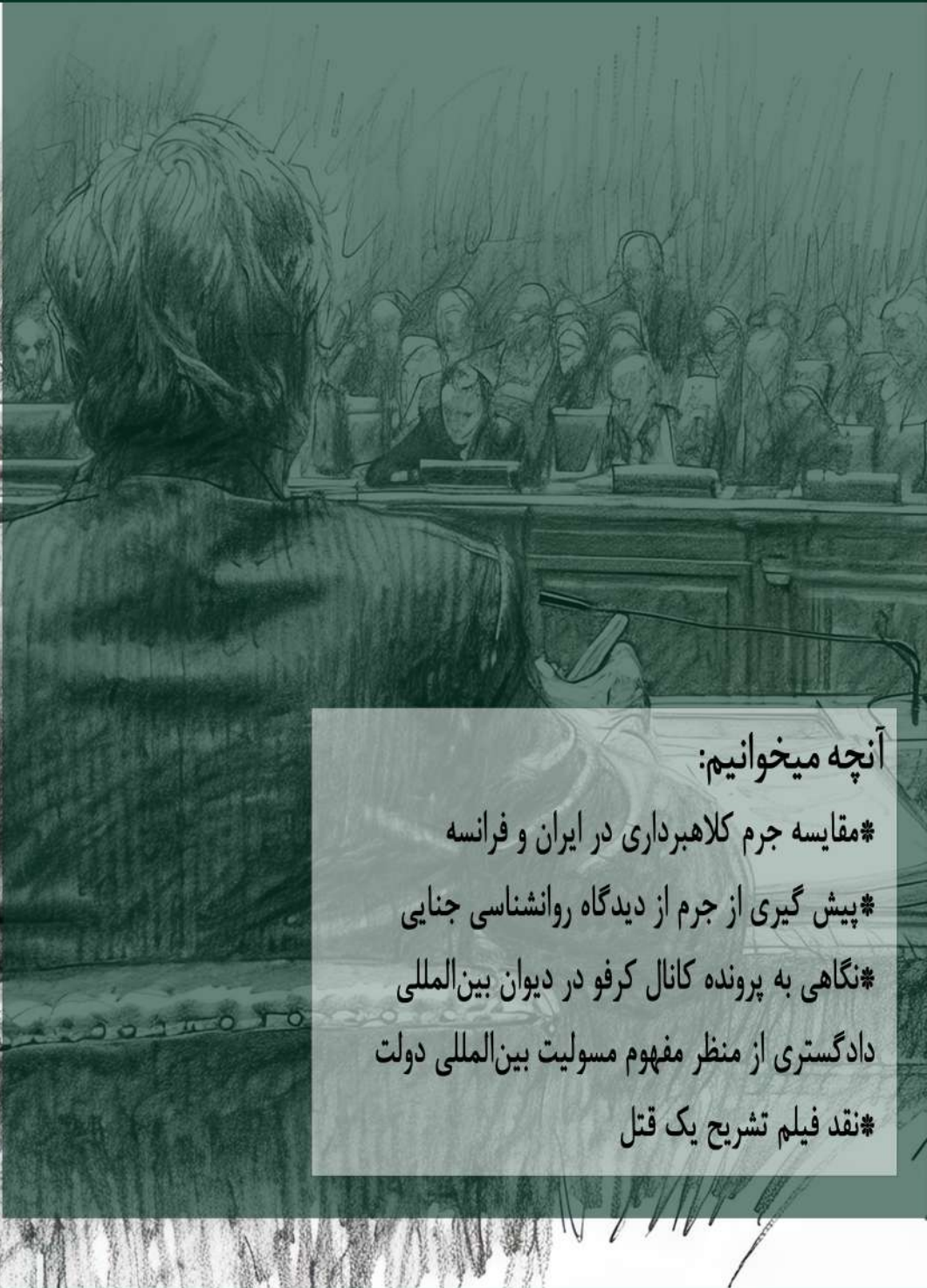




شماره نهم / سال پنجم / فصلنامه علمی دانشجویی

۱۴۰۲

رساله عدلیه



آنچه میخوانیم:

- *مقایسه جرم کلاهبرداری در ایران و فرانسه
- *پیش گیری از جرم از دیدگاه روانشناسی جنایی
- *نگاهی به پرونده کانال کرفو در دیوان بین المللی
- دادگستری از منظر مفهوم مسولیت بین المللی دولت
- *نقد فیلم تشریح یک قتل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله عدلیه

فصلنامه علمی تخصصی رساله عدلیه
انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
شماره نهم / سال پنجم / زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
استاد مشاور: دکتر مهدی عاشوری / عضو هیئت علمی دانشگاه اراک

مدیر مسئول: جلال غفرانی

سردبیر: محمد امین حیطاوی

صفحه آرا: زهرا عباسی

هئیت تحریریه: ابوالفضل پیامنی - فاطمه ملکی - میلاد محسنی میمه -
علی ضیغمی نژاد - تارا تقوایی - فرناز چوبندیان - محمد صادق عبدالحی

فهرست

۸ مقایسه جرم کلاهبرداری در ایران و فرانسه

*تعریف کلاهبرداری * وجوه تمایز * وجوه تشابه * تشابه در توصیف عنصر روانی و مادی * تشابه در پیش نینی مجازات*

۱۲ پیش گیری از جرم از دیدگاه روانشناسی جنایی

*مقدمه * بررسی عوامل جرم * کاهش فرصت های ارتکاب جرم * مداخلات زودرس * کاهش مداخلات قانونی * نقش رسانه های جمعی در پیش گیری از وقوع جرم*

۱۸ نگاهی به پرونده کانال کرفو در دیوان بین المللی دادگستری از منظر مفهوم مسولیت بین المللی دولت

۲۳ نقد فیلم تشریح یک قتل

سخن مدیر مسئول

مدیر مسئول: جلال غفرانی

دبیر انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه اراک
دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه اراک



ghofranij109@gmail.com

سخن به ذکر تو آراستن مراد آنست
که پیش اهل هنر منصبی بود ما را
وگر نه منقبت آفتاب معلومست
چه حاجتست به مشاطه روی زیبا را

با پیشرفت علم، بشریت چالش‌های مختلفی را تجربه کرده است نوآوری‌ها و تصویب قوانین جدید فرصت‌های پژوهشی بسیاری را پیش روی حقوقدانان قرار داده و نظرات مختلف و گاه متناقض را به عرصه بحث کشانده که همین نقطه نظرات است که مجال برای چاپ نشریه را به ما داده است.

نهاد فصلنامه (رساله عدلیه) سال ۱۳۹۸ به صاحب امتیازی انجمن علمی دانشجویی حقوق نشانده شده و با تلاش و همت دانشجویان و اساتید گروه حقوق دانشگاه اراک تا به امروز ادامه یافته است. خداوند را سپاس که این توفیق نصیب ما شد تا ادامه دهنده این راه باشیم تلاش همه عزیزان را ارج می‌نهیم و مسئولیتی که بر دوشمان است را زمین نخواهیم گذاشت از تمامی عزیزانی که با ارسال مقالات پرمایه خود ما را در چاپ شماره نهم نشریه یاری دادند کمال تشکر را داریم در پایان از تمامی صاحب نظران محترم دعوت به عمل می‌آوریم که با این نشریه همکاری بنمایند و با پیشنهادات سازنده خود ما را در هرچه بهتر شدن کیفیت فصلنامه ((رساله عدلیه)) یاری دهند.

جلال غفرانی مدیر مسئول فصل نامه رساله عدلیه







فاطمه ملکی
دانشجوی کارشناسی
حقوق دانشگاه اراک



ابولفضل پیامنی
دانشجوی کارشناسی
حقوق دانشگاه اراک

Yaspayamap81@gmail.com Mlkiftm@gmail.com

مقدمه :

کلاهبرداری کاری بر پایه فریب است که کسی یا کسانی برای کسب نفع خود یا موسسه‌ای انجام می‌دهند. کلاهبرداری در بسیاری از کشورها جرم است، اگرچه مصداق‌های آن در نظام‌های گوناگون قضایی فرق می‌کند. آنچه که جرم کلاهبرداری را از سایر جرایم علیه اموال متمایز می‌سازد، آن است که در اکثر این جرایم مال بدون رضایت یا آگاهی صاحب مال، و حتی گاه به دلیل توسل مجرم به اعمال خشونت آمیز از قربانی به مجرم منتقل می‌گردد در حالی که کلاهبرداری از این حیث از جمله جرایم استثنائی به شمار می‌رود. کلاهبردار به گونه‌ای عمل می‌کند که مالک یا متصرف مال، فریب خورده و خود از روی میل و رضا، و چه بسا با التماس به امید کسب منافع سرشار، مالش را در اختیار مجرم قرار می‌دهد. ما در این مقاله قصد داریم تفاوت و تشابهات جرم کلاهبرداری در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه را بررسی کنیم.

تعریف کلاهبرداری :

کلاهبردار کسی است که با استفاده از نام یا عنوان مجعول، یا با توسل به مانورهای متقلبانه، کسی را به امور موهوم، امیدوار ساخته یا از امور موهوم بترساند و یا مدعی نفوذ و اختیارات واهی گردیده و از این رهگذر، مال یا پولی از قربانی را ببرد. در تعریف کلاهبرداری آمده است که استعمال اسم یا عنوان ساختگی به منظور متقاعد ساختن طرف به تاسیسات مجعول و اختیارات و اعتبارات موهوم و امیدوار کردن به وقایع موهوم یا بیم دادن از امور موهوم تا به این ترتیب، مال یا سند یا اوراق بهادار و قولنامه از طرف بگیرند و ضرر به او برسانند؛ مجرم این جرم را کلاهبردار می‌نامند.

ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۷۷ که عنصر قانونی کلاهبرداری را در حقوق جزای ایران تشکیل می‌دهد، کلاهبرداری را تعریف نکرده و مصادیق بارز آن را بطور تمثیلی بیان کرده است. احصای برخی از مصادیق کلاهبرداری در ماده ی فوق جنبه ی حصری ندارند.

این تعریف دامنه ی وسیعی دارد و می‌تواند تمام اشکال قابل تصور را در کلاهبرداری شامل شود.

امروزه کلاهبرداری به شیوه های مختلف صورت می‌گیرد و بنابراین تعریف قانونی آن باید تمام صور ممکن را در برگیرد تا کلاهبرداران که افرادی باهوش و برنامه ریز هستند نتوانند از خلا قانونی استفاده کنند.

در این تعریف قانونگذار بر استفاده از شیوه های متقلبانه یا مانورهای محیلانه تاکید نموده است که رکن اصیل کلاهبرداری و مبنای تفکیک آن از جرایم مشابه مثل سرقت و خیانت در امانت است.

توصیفی که از کلاهبرداری در قانون جزای ایران ارائه شده، با اختلاف اندکی در قانون جزای فرانسه نیز مشاهده می‌شود. کلاهبرداری در قانون کیفری فرانسه در بخش سوم از باب جرایم علیه اموال و تحت عنوان «تصرفات متقلبانه» در قالب ماده ۳۱۳ و در ۹ بند وارد شده و در مجموع فصل سوم از این بخش را به خود اختصاص داده است.

بر خلاف ماده ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری که به جای تعریف جرم کلاهبرداری، مصادیقی از آن را بطور تمثیلی ذکر کرده، بند ۱ ماده ۳۱۳ قانون کیفری فرانسه، کلاهبرداری را به شرح زیر تعریف کرده است: کلاهبرداری عملی است که با استفاده از نام یا عنوان جعلی، یا با سواستفاده از عنوان واقعی، یا با توسل به شگرد های متقلبانه و به هدف اغفال هر شخص حقیقی یا حقوقی صورت می‌گیرد تا وی وجوه یا اوراق ارزشمند یا هرگونه مال را، به ضرر خود یا به ضرر شخص ثالث، در اختیار کلاهبردار قرار دهد یا هر نوع کاری را در حق وی انجام داده و یا هرگونه سند تعهد آور یا سند دال بر زوال تعهد را در اختیارش قرار دهد.

وجوه تمایز :

۱. مطابق تعریف مندرج در قانون جزای فرانسه، سواستفاده از عنوان واقعی نیز از مصادیق کلاهبرداری شناخته شده است و تفاوتی نمی‌کند که شخص از عنوان مجعول یا از عنوان واقعی در جهت ارتکاب کلاهبرداری استفاده کند. آنچه از نظر قانونگذار فرانسه مهم است، حصول نتیجه ی مجرمانه، یعنی بردن مال دیگری یا برخورداری متقلبانه از مال یا خدمات دیگری است، در حالی که در ماده ۱ قانون



مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، استفاده از عنوان یا نام مجعول، می تواند فرد متخلف را در معرض مجازات کلاهبرداری قرار دهد.

عدم تسری کلاهبرداری در قانون مجازات اسلامی به عمل کسی که با سو استفاده از عنوان و موقعیت اداری خود اقدام به حصول اموال موضوع کلاهبرداری می نماید به معنی زوال توصیف مجرمانه نسبت به عمل ارتكابی نیست، چون سواستفاده از قدرت و عنوان، فی نفسه جرم مستقلی را در حقوق ایران تشکیل می دهد مثل ماده ی ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی.

مجازات‌هایی که قانونگذار ایرانی برای سواستفاده از مقام و قدرت تعیین کرده، جنبه ی اداری داشته و جزو تنبیهات اداری است در حالیکه به دلالت بند ۲ ماده ی ۳۱۳ قانون جزای فرانسه، مجازات فوق علاوه بر محرومیت از خدمات دولتی (بعنوان آثار تبعی و مجازات تکمیلی) شامل حبس و جزای نقدی نیز می گردد و از این حیث اختلافات فاحشی را نشان می دهد. قانونگذار ایرانی از لفظ «مردم» در صدر ماده و عبارت «مال دیگری» و در ذیل آن به ترتیب بعنوان قربانیان و موضوع کلاهبرداری یاد کرده که لفظ اول ناظر به افراد حقیقی است. به بیان دیگر ماده ی فوق نسبت به شخصیت های حقوقی که ممکن است قربانی کلاهبرداری شوند، سکوت اختیار کرده در حالی که قانون جزای فرانسه از شخص حقیقی یا حقوقی سخن گفته است.

۳. با توجه به شیوه ی نگارش ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری «بردن مال دیگری» حصول نتیجه ی مجرمانه از ارتكاب کلاهبرداری شناخته شده است. به بیان دیگر هدف مورد تعقیب کلاهبردار تحصیل نامشروع مال یا وجه متعلق به دیگری است و مادامی که مال مورد نظر در ید مالکانه ی کلاهبردار مستقر نشود، بزه کلاهبرداری محقق نشده و فقط می توان مرتکب را به جرم «شروع به کلاهبرداری» محکوم نمود، در حالی که مطابق نص ماده ی ۳۱۳ قانون جزای فرانسه، نتیجه ی مجرمانه در جرم کلاهبرداری ممکن است انجام عمل یا برخورداری از نوعی خدمت نیز باشد.

۴. با تنقیح مناط اعتبار از بند ۳ ماده ی ۳۱۳ قانون جزای فرانسه در مواردی تعقیب کیفری جرم کلاهبرداری موقوف می گردد. بند فوق اشعار می دارد: «مقررات مقرر در بند ۱۲ ماده ی ۳۱۱ (راجع به سرقت) در مورد جرم کلاهبرداری نیز قابل اعمال است.»

بند ۱۲ ماده ی ۳۱۱ مواردی را به شرح زیر احصا نموده که سارق از مجازات سرقت مصون می ماند:



مورد اول: چنانچه کلاهبرداری علیه جد و یا فرزند کلاهبردار صورت گیرد.

مورد دوم: چنان که کلاهبرداری از سوی زوجه و علیه شوهر صورت گیرد، مگر اینکه زوجین از هم جدا شده باشند یا به حکم قانون مکلف به زندگی جدا از هم شده باشند.

با توجه به نص ماده ی فوق، قانونگذار فرانسوی وجود نسبت ابوت یا نبوت، همچنین رابطه ی زوجیت بین کلاهبردار و مالباخته را منحصراً نسبت به زوجه، از موانع شمول کلاهبرداری بر عمل ارتكابی تقلی کرده است.

این امر وجه تمایز بارز بین دو نظام کیفری مورد بحث را نشان می دهد، زیرا وجود چنین مصونیتی در قانون ایران محلی از اعراب ندارد.

نگرش جنایی قانونگذار فرانسه، منطقی و مطابق اصول عقلایی است، زیرا عنصر اصلی جرم کلاهبرداری، حيله و تقلب و توسل به شیوه های محیلانه است، در حالیکه در روابط بین پدر و فرزند یا زوجه و زوج، اعتماد و اطمینان حکومت می کند و نمی توان به سهولت به تحقق عنصر روانی و فیزیکی فعل کلاهبرداری رای داد.

از سوی دیگر در خصوص زوجین، با توجه به مشترک بودن اموال آنها، احراز نتیجه ی مجرمانه یعنی «بردن مال غیر» محل تردید است.

این امر در فرضی که رابطه ی ابوت یا نبوت بین کلاهبردار و مالباخته باشد نیز به درجاتی قابل تسری است، زیرا مطابق قانون مدنی حق توارث بین آن ها جاری است.

۱. تشابه در توصیف عنصر روانی و مادی

بررسی مادتین ناظر بر جرم کلاهبرداری در دو نظام فوق، نتایج تقریباً یکسانی را از حیث توصیف عنصر روانی و مادی جرم مورد نظر نشان می‌دهد،

از دیدگاه هر دو قانون، عمد در توسل به شیوه یا شیوه‌های متقلبانه یا اتخاذ عنوان مجعول همراه با سونیت خاص برای تصاحب مال غیر یا دریافت وجه از او و یا مغرور نمودن وی به انجام هر نوع خدمت، در مجموع عنصر روانی و مادی بزه را محقق می‌سازد.

در واقع حيله و تقلب، دو رکن اصلی بزه کلاهبرداری معرفی شده‌اند که در اجتماع شرایط دیگر، موجبات محکومیت به کلاهبرداری را فراهم می‌کنند.

افزون بر آن، با توجه به صراحت مادتین فوق، ارتکاب کلاهبرداری صرفاً در قالب فعل مثبت و نه ترک فعل قابل تصور است.

بر این اساس بند ۱ ماده ۳۱۳ قانون کیفری فرانسه، در تعریف کلاهبرداری از واژه‌ی فعل یا عمل استفاده نموده است.

برای مثال چنانچه شخص الف که مغازه دار است به تصور اینکه شخص ب که بعنوان مشتری وارد مغازه شده است کلانتر محل است، قیمت اجناس خریداری شده توسط او را به پشتوانه‌ی اعتبار او نزد کسبه‌ی منطقه و با اطمینان از دریافت آن در آینده‌ی نزدیک، نگیرد و ب نیز با علم به اشتباه الف در تشخیص نادرست هویت خود، سکوت اختیار کند و بدون بکارگیری حيله و نیرنگ و شگردهای متقلبانه، اجناس خریداری شده را بدون پرداخت وجه آن‌ها تحویل بگیرد، نمی‌توان به محکومیت ب به ارتکاب کلاهبرداری حکم نمود، زیرا هیچ‌گونه فعل مثبت مبتنی بر حيله و نیرنگ از سوی او به فعلیت نرسیده و سکوت وی در عدم معرفی خود، نوعی ترک فعل است که فاقد عنوان مجرمانه‌ی خاص در فرض اخیر است.

این امر در عین حال، وجه تمایز کلاهبرداری با جرم خیانت در امانت را تشکیل می‌دهد زیرا جرم اخیر با ترک فعل، یعنی امتناع امین از استرداد مال امانی، محقق میشود.





۲. تشابه در پیش بینی مجازات

بررسی مفاد مادتين ناظر بر جرم كلاهبرداری در دو نظام فوق ، نتایج تقریباً یکسانی را از حیث پیش بینی نوع مجازات نشان می دهد.

از دیدگاه هر دو قانون كلاهبردار در معرض حبس و جزای نقدی قرار می گیرد .

جمله ی انتهایی بند ۱ ماده ی ۳۱۳ قانون کیفری فرانسه به شرح زیر ناظر بر مجازات مقرر برای كلاهبرداری است : « مجازات كلاهبرداری ۵ سال حبس و ۳۷۵ هزار یورو جزای نقدی می باشد .»

با وجود این ، اختلافات فاحشی از حیث میزان مجازات های فوق با مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی قابل درک است .

در قانون کیفری فرانسه ، میزان حبس و جریمه ی مقرر برای این جرم به طور ثابت تعیین شده و دادگاه نمی تواند مرتکب را به کمتر یا بیشتر از آن خها محکوم نماید .

به عبارت دیگر ، قاضی صادرکننده ی حکم ، قادر به دخل و تصرف در تعیین میزان مجازات نیست ، اما برعکس با توجه به شیوه ی نگارش ماده ی ناظر بر كلاهبرداری در قانون جزای کشورمان ، دادگاه می تواند با در نظر گرفتن وضعیت مرتکب و سایر اوضاع و احوال قضیه ، در محدوده ی مقرر در ماده ، مجازات حبس را در محدوده ی حداقل و حداکثر تعیین نماید .

این امکان در خصوص تعیین جزای نقدی وجود ندارد ، زیرا میزان آن تابع مال موضوع جرم است .

سیاست جنایی ایران از این حیث سازگاری بیشتری با اصول عدالت ، به ویژه اصل تناسب جرم و مجازات دارد ؛ زیرا اعمال مجازات یکسان برای كلاهبرداری که دوچرخه ایی را برده و کسی که اتومبیل گران قیمتی را مورد كلاهبرداری قرار داده ، دور از انصاف می نماید ، هرچند نفس عمل در هر دو مورد یکسان است .



دانست. در ادامه به پیشگیری از جرم در سه دسته: پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث می پردازیم. پیشگیری اولیه اقداماتی است که تمامی گروه ها و افراد جامعه را در بر میگیرد و هدف از آن جلوگیری از بروز اختلال است.

پیشگیری ثانویه اقداماتی است که در مورد یک گروه خاص یا یک گروه در معرض خطر یعنی گروهی که احتمال بروز خطر در آنها زیاد است اعمال می شود. بنابراین جامعه هدف در این نوع از پیشگیری دامنه محدودتری را دارد. پیشگیری ثالث نیز اقداماتی را شامل می شود که پس از بروز مشکل به منظور کمک به بیماران درمان شده و بازپروری آنها انجام می شود. بنابراین جامعه هدف آن افرادی است که مشکلات در آنها بروز کرده است. شناخت دقیق اهداف برای اتخاذ راهبردهای موثر به منظور پیشگیری از جرم و بزهکاری حائز اهمیت است.



میلاد محسنی میمه
دانشجوی کارشناسی
حقوق دانشگاه اراک



علی ضیغمی نژاد
دانشجوی کارشناسی
حقوق دانشگاه اراک

Mesterzed1998@gmail.com

miladmohsen811@gmail.com

چکیده

پیشگیری از جرم و روانشناسی جنایی موضوعات جدیدی هستند که در زمینه حقوق کیفری و روانشناسی و ارتباط میان این دو مطرح می شوند. از آنجایی که در سده های اخیر مجازات های کیفری (اعدام، حبس و...) اثرگذاری کمتری داشته اند، لزوم توجه به مباحث گفته شده بیش از پیش نمایان می شود و بحث و بررسی و پژوهش در این راستا اهمیت پیدا می کند. مقاله پیش رو در همین راستا گردآوری شده و عرضه می گردد.

واژگان کلیدی

پیشگیری از جرم-روانشناسی جنایی-مجازات-بزهکار-بزه

مقدمه

پیشگیری از جرم و روانشناسی جنایی دو حوزه ای هستند که در قرون اخیر کانون توجه حقوقدانان و روانشناسان شده اند و تعیین مرز دقیق میان آن دو آسان نیست. پیشگیری از جرم به سه دسته پیشگیری تنبیهی، اصلاحی و مکانیکی یا سازمان یافته قابل تقسیم است. روانشناسی جنایی مطالعه رفتار و افکار مجرمان است که در قرن هجدهم به دلیل درگیری بین متخصصان پزشکی و قضات به هنگام محکوم کردن افراد به دلیل رفتار مجرمانه ایجاد شد. در واقع روانشناسی جنایی در ارتباط بین حقوق، روانشناسی، پزشکی و زیست شناسی پدیدار گشت. آنچه برای شناخت پیشگیری از جرم اهمیت دارد، مطالعه خود جرم و جنایت و بررسی عوامل آن است. که به منظور این هدف، روانشناسی جنایی به مساعدت ما می آید.

بررسی عوامل جرم:

بسیاری از محققان پدیده جرم را ناشی تاثیر همزمان عوامل زیست شناختی و روانشناختی می دانند؛ اما پدیده جرم عوامل و جهات بیشماری دارد و نمیتوان آن را محدود به عوامل فوق



اهداف مورد نظر به سه دسته تقسیم

بندی می شود:

۱- کاهش فرصت های ارتکاب جرم

۲- مداخلات زودرس

۳- کاهش مداخلات قانونی



کاهش فرصت های ارتکاب جرم :

این روش در تلاش است تا فرصت ها و موقعیت هایی را که بزهکار را در آستانه ارتکاب بزه قرار می دهد را از وی سلب کند. متداول ترین شکل پیشگیری محیطی ایجاد مشکل در دستیابی به هدف است.

به طور مثال نصب دوربین ها در فروشگاه ها، استفاده از درب های ضد سرقت، به کار بردن قفل فرمان در اتومبیل و... نمونه هایی از این مورد است. نوع دیگری از پیشگیری در راستای کاهش فرصت ارتکاب جرم تاثیر بر رفتار قربانی است که به طور بالقوه در معرض بزه دیدگی قرار دارند. به طور مثال می توان به آموزش های جنسی به کودکان در محیط های آموزشی اشاره کرد که خطر سوء استفاده جنسی از آنان را کاهش می دهد. سومین نوع پیشگیری در این راستا استفاده از کنترل های اجتماعی و تلاش سازمان یافته آنان است. به طور مثال همکاری همسایگان و ساکنان یک محل در زمینه تامین امنیت آن محل.

مداخلات زودرس :

مداخلات زودرس مجموعه اقداماتی است که با تغییر عوامل فردی و اجتماعی موثر در بروز بزه، بزه دیده بالقوه را از ارتکاب بزه در آینده باز می دارد. بازسازی روابط خانوادگی در زمره اهداف این نوع از پیشگیری است. به طور نمونه پیشگیری از آزاردهی کودکان به وسیله اجرای برنامه هایی است که مانعی برای آزاردهی ایجاد گردد. مداخله روانشناختی، اجتماعی زودرس در فرایند رشد کودکانی که از خود مظاهر بزهکاری را بروز می دهند ضرورت دارد

کاهش مداخلات قانونی :

کاهش مداخلات قانونی از نوع پیشگیری ثانویه است به طور نمونه می توان به تلاش در راه دور نگه داشتن نوجوانان مجرم از دادگاه ها اشاره کرد که در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا و انگلستان پیاده شد. این نوع پیشگیری فرصت تعامل با مجرمان را در محیط طبیعی آنها فراهم می کند. می توان گفت برنامه ها و اقدامات کاهش مداخلات قانونی موانعی را در راه ارتکاب مجدد جرم ایجاد می کند.

عوامل تحریک آمیز از عواملی است که نقش موثری در ارتکاب بزه از سوی بزهکار دارد که در ادامه به بررسی موردی آن می پردازیم :

فشار و استرس: کاهش فشار و استرس میتواند نقش پیشگیرانه را در ارتکاب بزه داشته باشد. چنانچه در جامعه ای امنیت اقتصادی و سایر گونه های امنیت وجود نداشته باشد، سبب اعمال فشار و بروز استرس در افراد می شود. به همین منظور لازم است سیاستگذاران و حکام جامعه این مورد را در نظر داشته باشند.

جلوگیری از بروز درگیری: این مورد بیشتر در روابط خصوصی بین افراد ممکن است بروز پیدا کند. به طور مثال بوق زدن های مکرر پشت چراغ قرمز می تواند سبب بروز درگیری شود که خوب است افراد این مورد را نظر داشته باشند.

کاهش تحریک و وسوسه: عوامل ارتکاب جرم چنانچه در معرض دید باشد و سبب سهولت ارتکاب جرم شود، آثار سوئی به بار خواهد آورد. به طور مثال چنانچه منشی یک باشگاه بدنسازی بانوان یک مرد باشد (در حالی که یک خانم هم از عهده این کار بر می آید) زمینه ارتکاب سوء استفاده جنسی برای آن مرد فراهم می شود.

بی اثر کردن فشار اطرافیان: باید در نظر داشت که محیط زندگی، شغلی و تحصیلی یک فرد می تواند به گونه های مختلف وی را تشویق به ارتکاب بزه کند. فرد باید از این مورد آگاه باشد و با آموزش دیدن بتواند این فشار محیطی را از روی خود بردارد و مهارت نه گفتن را در خود تقویت کند.





جلوگیری از تقلید:

در جوامع امروزی به سبب گسترش ابزارهای تکنولوژی و ارتباطی و وجود پدیده ایی تحت عنوان سلبریتی، زمینه تقلید از افراد شاخص و معروف گسترش یافته است حال آن که ممکن است چنین افرادی در زندگی شان مرتکب جرائمی شوند و طرفداران خود را به این اعمال تشویق کنند. نقش خانواده و آموزش و پرورش برای بی اثر کردن این اقدامات حائز اهمیت است.

حال به بررسی تسهیل کننده های جرم می پردازیم. تسهیل کننده هر آن چیزی است که ارتکاب جرم را آسان تر می کند و سبب بروز ناامنی و بی نظمی در جامعه می شود. تسهیل کننده های جرم به سه دسته فیزیکی، اجتماعی و شیمیایی تقسیم بندی می شوند. تسهیل کننده اجتماعی در راستای روانشناسی جنایی قابل بررسی است. اهدای جایزه به بزهکار، قانونی کردن و موجه دانستن برخی از انواع بزهکاری و یا تشویق افراد به ارتکاب بزه موجب تحریک به بزهکاری می شود. به عنوان مثال رفتار شلوغ و بی ادبانه عده ای در ورزشگاه ها و ترغیب دیگر افراد که نتیجه اش می تواند ارتکاب بزه باشد نمونه ایی از آن است.

تسهیل کننده اجتماعی تا میزان زیادی به افراد مرتبط با بزهکار و وابستگی میان آنها بستگی دارد.

یکی از راهبردهایی که به منظور پیشگیری از جرم اتخاذ می شود افزایش زحمت و هزینه ارتکاب جرم است. ایجاد موانع فیزیکی مانند قفل یا حفاظ یا محافظ های ضد سرقت زحمت ارتکاب جرم افزایش می دهد. منحرف کردن بزهکار از بزه احتمالی مانند جداکردن تماشاچیان رقیب در ورزشگاه ها اقدام موثری است که در بسیاری از ورزشگاه ها اعمال شده است. کنترل اسلحه ها و آلات جرم هم راهبردی است که در برخی از کشورها به منظور پیشگیری از ارتکاب جرم استفاده شده است؛ به طور مثال در کشور ایالات متحده آمریکا مشتریان پیش از ورود به مشروب فروشی ها باید اسلحه خود را تحویل دهند چرا که احتمال تیراندازی توسط افراد مست بیشتر است.

می دانیم انسان موجودی محاسبه گر است و پیش از ارتکاب بزه سود و منفعت حاصل از آن را بررسی می کند؛ بنابراین به منظور پیشگیری باید خطر جرم را افزایش دهیم به گونه ایی که ضرر حاصل از ارتکاب جرم بیش از منفعت آن باشد. از سوی دیگر باید منافع و عواید حاصل از جرم را کاهش

دهیم.



به طور مثال استفاده از کارتخوان ها در فروشگاه ها سبب می شود پول های مشتریان به حساب بانکی منتقل شود و پول به صورت اسکناس در دسترس نیست تا بزهکار بتواند سرقت کند. ثبت و ارائه کد شناسایی برای اموال اقدام دیگری است که در برخی کشورهای توسعه یافته به منظور پیشگیری از سرقت آن ها و توانایی ردگیری آنها پس از سرقت لحاظ شده است.

سارقین پس از انجام سرقت کالاهای مسروقه را در بازارهای معامله به فروش می رسانند. در این راستا جرم شناسان و پلیس به اهمیت ایجاد اختلال در این بازارها پی برده اند. اگر بخواهیم از جنبه تئوری به بحث پیشگیری از جرم بپردازیم، وضع قوانین مناسب و پیشگیرانه حائز اهمیت است که در حوزه پیشگیری قضایی قرار می گیرد؛ به گونه ای که افراد با مقایسه منافع حاصل از جرم و مجازات آن کمتر به ارتکاب بزه ترغیب شوند. لازم به ذکر است دولت باید همانگونه که از طریق وضع قوانین مجازات پیشگیرانه را در نظر می گیرد، شهروندان قانونمدار را هم تشویق کند. به طور مثال رفتگری که مقادیر کلانی وجه نقد را در معابر می یابد و به مراجع انتظامی و قضایی به منظور یافتن صاحب مال گزارش می دهد. باید در نظر داشت قوانین یک جامعه باید به فراخور زمان پویایی داشته باشند تا چنانچه از اثر پیشگیرانه آنها کاسته شد، اصلاح قوانین و تدوین لوایح مناسب به منظور بازدارندگی و پیشگیری از جرم خلأ پیش آمده را برطرف کند. ایجاد محدودیت در زندگی افراد جامعه نباید بدون ضابطه و خارج از مصلحت اجتماعی باشد.

کنترل مواد مخدر و الکل در زمینه پیشگیری قابل بحث و گفتگو است. مصرف مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر زمینه ارتکاب جرم را آسانتر می کند چرا که قدرت درک و تشخیص را کاهش می دهد. بین مصرف موادی مانند کوکائین و هروئین و رفتارهای خشونت آمیز و به طور کلی ارتکاب بزه ارتباط مستقیم وجود دارد.

پژوهش های جرم شناسان و روانشناسان آمریکایی بر این مطلب صحه می گذارد. پژوهش های هانت، اوشیدا و لشنر حاکی از آن است که بیش از نیمی از افرادی که به دلیل جرائم سنگین مانند قتل و سرقت مسلحانه در حبس به سر می برند در هنگام ارتکاب جرم تحت تاثیر مصرف الکل یا مصرف مواد مخدر بوده اند. موادی مثل کوکائین و آمفتامین جنبه محرکی دارند و سیستم عصبی مرکزی را تحریک می کنند؛ مصرف زیاد این مواد آثار شدید و غیر قابل جبرانی را بر روی فرد می گذارد. بین اعتیاد به هروئین و جرائمی که جنبه مالی دارند ارتباط مستقیم وجود دارند. در دهه های اخیر دامنه سنی مصرف مواد مخدر و نوشیدنی های الکلی به زیر هجده سال رسیده است و خطر بسیار جدی را متوجه جوامع می کند.

یکی از مجازات هایی که در اغلب کشورهای دنیا پیش بینی شده است، مجازات حبس است. حبس و زندان هزینه کلانی را برای حکومت به دنبال خواهد داشت حال آن که با صرف همان هزینه در جهت مهارت زایی افراد سطح پایین جامعه و در معرض بزه می توان اقدام به ایجاد شغل در سطح جامعه کرد که میزان ارتکاب جرم را کاهش می دهد.

عنصری که برای وقوع یک جرم لازم است عبارتند از: تمایل یا انگیزه از سوی بزهکار، مهارت ها و ابزارهای لازم برای ارتکاب جرم و فرصت.

یکی از نهادهایی که به جهت پیشگیری از جرم از دیدگاه روانشناسی جنایی حائز اهمیت است نهاد خانواده است. خانواده اولین نهادی است که فرد در آن رشد می کند و نقش مهمی در جامعه پذیری افراد دارد.

اگر خانواده نتواند نقش سازنده ای را ایفا کند و نیازهای عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی فرزندان در این نهاد تامین نشود زمینه ارتکاب بزه و بروز ناهنجاری ها در آینده فرزندان فراهم می شود.

دولت هم باید در جهت حمایت و پشتیبانی از این نهاد در قالب آموزش و ایجاد رفاه عمومی نقش خود را به نحو احسن اجرا کند.

اصل قائم به شخص بودن جرم و مجازات در این جا نمود پیدا می کند چرا که اگر شخصی مرتکب بزه شد باید تنها مجازات در قبال خود آن شخص اعمال و اجرا شود و خانواده و بستگان وی باید از آن مجازات مصون باشند. اگر والدین نتوانند آرامش را در خانواده حاکم کنند، پرخاشگری در افراد بروز پیدا می کند و ممکن است تبعات آن به صورت ناهنجاری و ارتکاب بزه در جامعه نمایان گردد.

محیط جسمانی فرد بر کنش وری روانشناختی و زیست شناختی و اجتماعی وی اثرگذار است. یکی از متغیرهای محیط جسمانی متغیر فضای شخصی است که یکی از عوامل تنیدگی زا است. عده ای از جرم شناسان و روانشناسان نظریاتی را در این باب ارائه کرده اند که به بررسی اجمالی آنها می پردازیم.

نظریه یادگیری اجتماعی: براساس این نظریه جرم و رفتار مجرمانه در ارتباط با دیگران شکل می گیرد و یک مقوله آموختنی است. الگوهای رفتاری حتی ممکن است از طریق رفتار دیگران شکل گیرد. رفتار در نتیجه کنش متقابل بین شناخت و عوامل محیطی به وجود می آید.

نظریه انتخاب عقلانی: مطابق این نظریه مجرمان بالقوه زیادی در جامعه وجود دارند. مجرم ممکن است ارتکاب جرم را با توجه به جمیع شرایط عاقلانه ترین راه تشخیص دهد؛ بنابراین باید این دیدگاه را از وی سلب کنیم و افراد جامعه را متوجه عواقب و آثار زیان بار ارتکاب جرم کنیم.

اگر بخواهیم از دید تاریخی مقوله پیشگیری از جرم را بررسی کنیم، باید گفت قدیمی ترین نوع آن پیشگیری از بزهکاری کودکان و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. در رابطه با کودکان و نوجوانان بزهکار یا در معرض بزه از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده می شود؛ چرا که شخصیت آنها در حال شکل گیری است. اما در رابطه با بزرگسالان بزهکار از راه های ارباب انگیز و تهدیدی استفاده می شود زیرا شخصیت آنها شکل گرفته است.



امروزه پیشگیری از بزهکاران در دو گونه کنشی و واکنشی بررسی می شود.

پیشگیری کنشی یا غیرکیفری: این نوع از پیشگیری در صدد است که تمرکزش را بر روی کنترل اجتماعی و افکار مجرمانه بزهکاران قرار دهد. در همین راستا عوامل محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی افراد اهمیت می یابد چرا که سوق دادن فرد به سوی بزهکاری از این محیط ها شکل می گیرد. ویژگی های پیشگیری کنشی یا غیرکیفری عبارتند از: اثرگذاری علیه اموال و جنبه هایی که در ارتکاب جرم نقش تعیین کننده ای دارند-جمعی بودن یعنی پیشگیری کنشی تمام افراد یک دسته معین را هدف قرار می دهد در این نوع پیشگیری جنبه سزادهی اقدامات وجود ندارد.

پیشگیری واکنشی یا کیفری: این نوع پیشگیری بعد از بروز رفتار مجرمانه وارد عمل می شود و در واقع ابزارهای کیفری به کار گرفته می شوند و به دو دسته پیشگیری واکنشی عام و پیشگیری واکنشی خاص تقسیم بندی می شوند. پیشگیری واکنشی عام تمامی شهروندان یک جامعه را مخاطب قرار می دهد و از طریق عبرت آموزی جمعی به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. پیشگیری واکنشی خاص، مجرم مدار است و خود شخص مجرم را هدف قرار می دهد تا از ارتکاب مجدد بزه از سوی وی جلوگیری کند. پیشگیری کیفری اهدافی را دنبال می کند که از آن جمله می توان اصلاح بزهکار، ارباب بزهکار و حمایت از جامعه را نام برد.

نفش رسانه های جمعی در پیشگیری از وقوع جرم:

با افزایش رسانه های جمعی در قرون اخیر استفاده افراد جامعه از این رسانه ها روز به روز بیشتر گردیده است و تاثیر آنها در زندگی فردی و اجتماعی شهروندان اجتناب ناپذیر است. رسانه های جمعی می توانند از این نفوذ خود در جهت مطلوب استفاده کنند و اهداف جرم شناسان را در زمینه پیشگیری از جرم مدنظر قرار دهند. تولید برنامه های آموزشی و آشنا کردن افراد با قوانین از طریق دعوت از مجریان قانون می تواند یکی از این اقدامات باشد.

پیشگیری بلند مدت یا کلان نوعی از پیشگیری است که در سطح کلان مدنظر سیاست مداران جامعه می باشد. به طور مثال تقویت آموزش و پرورش کشور و اختصاص بودجه ویژه برای آن، تلاش برای کاهش شکاف اقتصادی میان افراد جامعه در سطوح مختلف و دستیابی به عدالت اجتماعی را می توان نام برد.

دانستن این که بزهکاران مسئله را چگونه می بینند، در پیشگیری از جرم از اهمیت بالایی برخوردار است.

در برخی از برنامه های پیشگیری پلیس به بزهکاران بالقوه هشدار می دهد که تحت نظرند و بدین گونه از وقوع بزه جلوگیری می شود.

برای شناسایی جرم و به تبع آن پیشگیری از جرم لازم است محل های بحرانی شناسایی شوند که عبارتند از:

نقاط بحرانی، مسیرهای بحرانی و مناطق بحرانی.

نقاط بحرانی مکان هایی هستند که سطوح جرم در آن ها بالاست.

مسیرهای بحرانی خیابان های ی هستند که جرم در آن ها متمرکز شده است؛ به طور مثال خیابان هایی که نرخ بالایی از تخریب شیشه خودرو و ورود به آن وجود دارد.

مناطق بحرانی محله هایی هستند که جرم در آن ها متمرکز شده است. تحلیل محل های بحرانی بهتر است با اماکن آغاز شوند و سپس خیابان ها و در آخر مناطق بررسی شوند. این موضوع می تواند مورد استفاده مراجع قضایی و پلیس برای شناخت جرم و پیشگیری از آن قرار گیرد.

در پایان ذکر این نکته لازم و ضروری است که در بحث پیشگیری از جرم شناخت جرم و عوامل آن، مجرم و علل انگیزاننده وی از اهمیت زیادی برخوردار است. روش های پیشگیرانه هزینه های بسیار کمتری نسبت به اعمال مجازات و تنبیه بزهکاران دارد که باید مورد توجه مراجع قضایی و انتظامی قرار گیرد.

در این مقاله تلاش شد تا مولفه های ذکر شده از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد تا بتوانیم با اتکا به رویکردهای مفید و موفق گفته شده از حیث عملی گام های موثری را برداریم.





حقوق بين الملل





تارا تقویایی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه تهران

fbt8@gmail.com

چکیده:

پرونده ی موسوم به کانال کورفو در ۲۲ مه ۱۹۴۷ با درخواستی از سوی دولت انگلستان برای ایجاد دادرسی علیه دولت جمهوری خلق آلبانی در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد.

دیوان در رای خود شرایط ارجاع پرونده به خود را بیان کرد و حادثه ای که اختلاف را به وجود آورده بود شرح داد. این اختلاف منجر به سه حکم از سوی دیوان شد. رای اول، رای شکلی و مربوط به مقوله ی صلاحیت دیوان در رسیدگی به این اختلاف بود و در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۴۸ صادر شد. رای دوم، رای ماهیتی بود که در تاریخ ۹ آوریل ۱۹۴۹ صادر شد و سومین دادرسی در باب تعیین خسارت وارده به دولت انگلستان بود که در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۹ صورت پذیرفت.

پرونده ی کانال کورفو یکی از بارزترین موارد استفاده ی دیوان از نظر کارشناسان فنی در رای خود بود. در این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی از مجرای بررسی مشروح پرونده در سایت رسمی دیوان بین‌المللی دادگستری صورت پذیرفته، به شرح آرای دیوان و فرایند رسیدگی به اختلافات مطروحه پرداخته میشود.

مقدمه:

در ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ دو ناوشکن انگلیسی در آبهای سرزمینی آلبانی در کانال کورفو که قبلاً پاکسازی شده بودند با مین برخورد کردند و انفجار مین موجب وارد آمدن خسارت به کشتیها و کشته شدن ۴۴ تن از افسران و دریانوردان انگلیسی شد. در ۱۲ و ۱۳ نوامبر همان سال واحدهای نیروی دریایی انگلیس بدون رضایت دولت آلبانی مشغول پاک کردن مینها در آبهای آلبانی واقع در تنگه ی کورفو شدند.

در این قضیه دولت انگلستان بر این باور بود که دولت آلبانی مسئول خسارات وارده به کشتی های این دولت و علت مین گذاری در کانال کورفو است و دولت آلبانی معتقد بود دولت انگلستان با مین رویی در کانال کورفو حاکمیت او را نقض کرده است.

در مورد این پرونده، یکی از مواردی که ارجاع آن به دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین فرایند بررسی و قبول صلاحیت را با پیچیدگی هایی روبه رو کرده بود، مسئله عدم عضویت دولت آلبانی در سازمان ملل متحد بود. عدم عضویت آلبانی در سازمان ملل متحد تا حد زیادی ناشی از به رسمیت نشناختن و قائل نبودن به حقوق بین الملل بود، به خصوص در قرن بیستم که حقوق بین الملل و سازمان های بین المللی به اندازه امروزه فراگیر نبودند و بعد از دو جنگ جهانی، اعتماد چندانی بین کشورها در فضای جهانی وجود نداشت.

اما این پرونده به خوبی نادرست بودن نظرات مخالفین حقوق بین الملل را نشان داد که معتقد بودند وضع قانون، مستلزم وجود مقنن یا به عبارت دیگر سلسله مراتب بین افراد یک جامعه است و از آنجا که در جامعه بین المللی میان کشورها هیچ سلسله مراتبی وجود ندارد و قوه مافوقی را میان خود به رسمیت نشناخته اند پس قانونی وجود ندارد. آن ها همچنین در اثبات ادعای خود، نقض قواعد را دلیلی بر فقدان آن تلقی میکردند.



اما فقدان قانون در صورتی به معنای فقدان حقوق است که قانون تنها منبع حقوق باشد، در حالیکه در فرایند رسیدگی به همین پرونده، دیوان به منابعی استناد کرد به غیر از قانون که مستلزم سلسله مراتب بین کشورها نبود، از جمله عرف و اصول کلی حقوقی از طرف دیگر، برخلاف ادعای منکرین حقوق بین الملل، دعوی حقوقی کشورها همیشه بر سر نقض قواعد نیست که این مورد نیز در پرونده ی کانال کورفو کاملاً هویدا بود، چرا که دولت آلبانی کاملاً پذیرفت که آگاهی از وجود مین ها پیش از حوادث ۲۲ اکتبر و پیش از زمان اخطار به کشتیهای بریتانیایی مستلزم مسئولیت وی بوده است، بنابراین اختلاف طرفین در واقع بر سر وقایع بود، نه قواعد.

شرح پرونده:

چنانچه گفته شد دولت انگلستان بر این باور بود که دولت آلبانی مسئول خسارات وارده به کشتی های این دولت و علت مین گذاری در کانال کورفو است و درباره ی مسأله ی مین گذاری در تنگه ی کورفو به شورای امنیت شکایت کرد.

آلبانی ادعای متقابل علیه انگلستان مطرح کرد و آنها را به نقض حاکمیت خود با ارسال کشتی های جنگی به آبهای سرزمینی آلبانی و انجام عملیات مین رویی در آبهای آلبانی بدون اجازه و هماهنگی و تاییدیه پس از انفجارها متهم کرد.

شورای امنیت از آلبانی برای شرکت در بحث ها دعوت کرد، مشروط بر آن که وی کلیه تعهدات یک عضو را در مورد مشابه قبول کند) چرا که آلبانی عضو سازمان ملل متحد نبود) و صلاحیت دیوان را در موضوع مورد اختلاف بپذیرد در حالیکه تا آن زمان، آلبانی از انجام چنین کاری امتناع نموده بود. سرانجام آلبانی پذیرفت و شورای امنیت در ۹ آوریل ۱۹۴۷ قطعنامه ای را تصویب کرد که به دولتهای مربوطه توصیه می کرد فوراً پرونده را به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع دهند.

انگلستان با استناد به این قطعنامه شورای امنیت، با ارسال دادخواستی در ۲۲ مه ۱۹۴۷ در دیوان بین المللی دادگستری اقدام دعوی کرد و آلبانی را متهم کرد که پس از انجام عملیات پاکسازی مین توسط مقامات دریایی متفقین، خود اقدام به مین گذاری کرده یا اجازه مین گذاری به کشورسومی را داده است بنابراین دولت آلبانی مسئولیت بین المللی در قبال عواقب حوادث فوق الذکر را به عهده دارد و باید غرامت پرداخت کند

انگلستان در درخواست خود به دیوان، چنین اعلام نمود:

۱- شورای امنیت بر اساس قطعنامه خود و با استناد به ماده ۳۶ منشور ملل متحد به دو کشور پیشنهاد میدهد که اختلاف را به دیوان بینالمللی دادگستری ارجاع دهند. ۲ (دولت آلبانی برای حل و فصل اختلاف بر اساس ماده ۳۲ منشور ملل متحد رضایت کامل داشته و شرایط مقرر بوسیله شورای امنیت را مورد قبول قرار داده است. ۳) ماده ۲۵ * منشور ملل متحد اعضای سازمان را ملزم به قبول تصمیمات شورای امنیت نموده است.

در این دادخواست دولت انگلستان صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری را برپایه ی ماده ۲۵* منشور ملل متحد (که موافقت اعضا با پذیرش و اجرای تصمیمات شورای امنیت را فراهم می کند) دانسته بود اما دولت آلبانی این موضوع را قبول نداشت.

*ماده ی ۲۵ منشور بیان میدارد: «اعضاء ملل متحد موافقت مینمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند



در همین راستا دولت آلبانی نامه ای به تاریخ ۲ جولای به ثبت دادگاه ارسال کرد که در آن از تفسیرهایی که انگلستان از طریق دادخواستش درباره ی ماده ۲۵ منشور، با اشاره به ویژگی الزام اور بودن توصیه های شورای امنیت ارائه داده بود، انتقاد کرد. دولت آلبانی تأکید کرد که پذیرش صلاحیت دیوان برای این پرونده نمی تواند سابقه ونمونه ای برای آینده باشد در بند ۲ اعلام رضایت دولت آلبانی برای ارجاع امر به دیوان بینالمللی دادگستری میخوانیم:

«در این شکی نیست که ماده ۲۵ (الزام به اجرای تصمیمات شورای امنیت) فقط در مورد فصل هفتم*(*) عنوان فصل هفتم منشور ملل متحد از این قرار است: اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز(قابل اجرا است و به پیشنهاد های ارائه شده شورا در مورد حل و فصل مسالمتآمیز اختلافات ارتباطی پیدا نمیکند. به علت اینکه این توصیه الزام آور نیست، در نتیجه مستقیماً باعث ایجاد صلاحیت اجباری دیوان نخواهد شد و قطعنامه صادره توسط شورای امنیت هیچ الزامی بدون رضایت و قبول برای دولتین طرف اختلاف ندارد»

رای اول (رای ۱۹۴۸)

در اولین دادرسی که در ۲۵ مارس ۱۹۴۸ صورت گرفت دیوان به مقوله صلاحیت خود پرداخت که آلبانی آنرا مورد شک قرار داده بود. دیوان به علت اعلامیه مورخ ۲ جولای ۱۹۴۷ آلبانی، اینگونه رای داد که آلبانی به صورت ضمنی و با بیانیهای به صورت داوطلبانه صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفته است و این نامه تمام مشکلات مربوط به مسئله صلاحیت دادگاه را برطرف می کند زیرا زمانی که دولت آلبانی در نامه خود اعلام میکند که «علیرغم بی نظمی در اقدام دولت انگلیس، برای حضور در دادگاه آماده است» (بند ۴ اعلامیه دولت آلبانی)، این کلمات، پذیرش داوطلبانه و غیر قابل بحث صلاحیت دیوان را نشان میدهند. دیوان یادآوری می کند که در حالی که رضایت طرفین، صلاحیت دادگاه را صادر می کند، لازم نیست که این رضایت در فرم و شکل ویژه ای اظهار گردد و میتواند ضمنی باشد دیوان همچنین بیان میدارد که درست است که دولت آلبانی در نامه خود در تاریخ ۲ جولای ۱۹۴۷ درباره ی تفسیری که انگلستان با اشاره به الزام آور بودن توصیه های شورای امنیت سعی در ارائه آن داشت، اظهار نظرهایی را انجام داد؛ اما تفسیر نامه به عهده دیوان است و دیوان معتقد است که موارد موجود در نامه دولت آلبانی فقط برای حفظ یک اصل و جلوگیری از ایجاد رویه برای آینده است؛ نه رد یا عدم پذیرش صلاحیت دیوان.

رای دوم دیوان (رای ۱۹۴۹)

۹ آوریل ۱۹۴۹ صادر شد در مورد این ادعای بریتانیا بود که کسانی که بانیان مین گذاری بوده اند، نمی توانسته اند بدون اطلاع دولت آلبانی این عملیات را انجام دهند. مطابق نظر دیوان، مسلم است که اطلاع از مین گذاری، تنها به این دلیل که میدان مین کشف شده در آبهای سرزمینی آلبانی، موجب انفجاراتی شده است، نمی تواند به دولت آلبانی نسبت داده شود. همانطور که رویه ی بین المللی نشان می دهد، کشوری که عملی مغایر با حقوق بین الملل در قلمرو یا در آبهای وی رخ داده است، ممکن است برای ادای توضیح احضار گردد و آن کشور نمی تواند با این پاسخ که از شرایط عمل و بانیان آن ناآگاه است، از چنین تقاضایی طفره رود؛ نمی توان صرف کنترل اعمال شده توسط یک کشور بر سرزمین و آبهایش به این نتیجه رسید که آن کشور الزاماً از هر عمل غیرقانونی که در آنجا ارتکاب یافته است آگاه بوده یا باید اطلاع داشته باشد. از سوی دیگر، کنترل سرزمینی انحصاری اعمال شده توسط یک کشور در چارچوب مرزهایش، بر شیوه های اثبات آگاهی و مسئولیت آن کشور نسبت به چنین رخدادهایی تأثیر دارد. کشور دیگر به دلیل این کنترل انحصاری، اغلب قادر به تهیه و ارائه مدرک مستقیم حقایقی که منجر به مسئولیت بین المللی می گردد نیست. بنابراین، به کشوری که قربانی واقع شده، اجازه داده می شود که آزادانه تر به استنباط واقعیت از قرائن و امارات بپردازد. این مدرک غیرمستقیم، توسط آراء بین المللی به رسمیت شناخته شده است.

بنابراین دیوان باید بررسی کند آیا به وسیله ی مدرک غیرمستقیم، ثابت شده است که آلبانی از مین گذاری در آبهای سرزمینی اش، مستقل از هر تبانی از جانب خویش در این اقدام، آگاه است؟

تعهداتی که در صورت آگاهی، دولت آلبانی برعهده میداشت، موضوع اختلاف دو طرف نیست چرا که اگر آلبانی، پیش از حوادث «دولت آلبانی، صراحتاً پذیرفت که ۲۲ اکتبر و پیش از زمان اخطار به کشتیهای بریتانیایی، از وجود مین ها در تنگه ی کورفو مطلع شده بوده است، این امر، مستلزم مسئولیت.» وی می بود



صدور قرار کارشناسی:

به علت ماهیت فنی و تخصصی اختلاف، دیوان با صدور قرار تصمیم گرفت موضوع را به کارشناسان ارجاع دهد. دیوان، گروهی از افسران زبده ی دریانوردی را منصوب کرد تا به هشت سؤال اساسی کارشناسی قضات به دقت و در کمال بی طرفی پاسخ دهند.

سپس دیوان به نقل از کارشناسان اعلام کرد برای یک قوه ی باصره ی معمولی و از نقاط مشخصی از است که با استفاده از دوربینهای مخصوص و در شرایط جوی معمولی « غیر قابل اجتناب »، ساحل آلبانی قادر به دیدن عملیات مین گذاری نباشد.

دیوان، این دیدگاه که آلبانی خودش مین گذاری کرده است یا همکاری ادعا شده آلبانی با یک عملیات مین گذاری توسط نیروی دریایی یوگسلاوی را قبول نکرد. چون مدارک کافی جهت اثبات چنین ادعایی وجود نداشت (اما از تمامی حقایق و ملاحظات فوق الذکر، دیوان نتیجه گرفت که چیدن میدان مین که انفجارهای ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ را به بار آورد، نمی توانست بدون آگاهی دولت آلبانی صورت گرفته باشد.

در این موضوع، دیوان اظهارنظرهایی را که در ذیل می آیند انجام داد.

بدان نحو که سابقاً بیان شده است، طرفین توافق می کنند که مین ها اخیراً چیده شده اند. بنابراین مین گذاری در زمانی صورت گرفته است که نظارت تنگاتنگ آلبانی بر تنگه موجود بود. اگر فرض شود که مین گذاری، در آخرین زمان ممکن یعنی در شامگاه ۲۱ و ۲۲ اکتبر صورت گرفته است، تنها نتیجه ای

که گرفته خواهد شد، آن خواهد بود که اطلاع عام به کشتیهای تمامی کشورها، پیش از زمان انفجارها دشوار و حتی شاید غیرممکن بوده است. اما این امر، مطمئناً مقامات آلبانیایی را از برداشتن تمامی گامهای ضروری فوری -به طوری که باید انجام میدادند- باز نداشته است که به کشتیهای نزدیک منطقه ی خطر اخطار دهند.

درحقیقت، توسط مقامات آلبانیایی، هیچ تلاشی صورت نگرفت تا از فاجعه ی مذکور جلوگیری کنند. این ترک فعلهای شدید، مستلزم مسئولیت بین المللی آلبانی است.... بدین دلایل، دیوان در مورد نخستین مساله مطرح شده، حکم می دهد که آلبانی، به موجب حقوق بین الملل، در برابر انفجارهایی که در ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ در آبهای آلبانی رخ داد، به علت از میان رفتن زندگی انسان و ورود خسارت ناشی از آن مسئول است. دادگاه میزان خسارت بدهی به انگلستان را ارزیابی کرد و به آلبانی دستور پرداخت ۸۴۴،۰۰۰ پوند را داد.

همچنین در قضیه نقض حاکمیت آلبانی بر دریای سرزمینی اش توسط دولت انگلستان، دادگاه چنین رای داد ۷ که عملیات

مین روبی توسط دولت انگلستان، حاکمیت آلبانی را نقض کرده است، زیرا برخلاف میل دولت آلبانی انجام شده است.

تحلیل:

اساس و علت مسئول بودن دولت آلبانی در برابر خسارت وارده به دولت انگلستان در خلال حادثه ی یاد شده چه بود؟ به عبارت دیگر، چرا دولت آلبانی مسئول شناخته شد؟

اصولاً مسئولیت بین المللی وقتی موضوعیت دارد که فعل متخلفانه ای از دولتی سر بزند و تا زمانی که فعل یا ترک فعل متخلفانه اثبات نشود، مسئولیت محقق نمیشود.

کمسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱ میلادی طرحی را ارائه داده که به طرح مسئولیت بین المللی دولت موسوم است و یکی از موضوعات آن، شرایط تحقق مسئولیت بین المللی دولت و توضیح عمل متخلفانه است

عمل متخلفانه بین المللی: ماده ی یک طرح مسئولیت بین المللی دولت، مسئولیت بین المللی را ناشی از عمل متخلفانه ی بین المللی می داند که ممکن است شامل یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از این دو باشد. فعل متخلفانه خود دارای دو عنصر است: اول اینکه قابلیت انتساب به دولت را داشته باشد و دیگری اینکه موجب نقض یک تعهد بین المللی شود.

الف) قابلیت انتساب:

انتساب فعل به یک دولت وقتی صحیح است که توسط ارگانها و سازمانهای رسمی و دولتی انجام شده باشد و در این بین تفاوتی میان قوای سه گانه، نیروهای نظامی و انتظامی و سایر دستگاهها وجود ندارد، چون قاعده وحدت دولت بر آن حاکم است. چنانچه قصور صورت گرفته از جانب دولت آلبانی نیز بیشتر از جانب نیروهای نظامی ساحلی و دریایی این کشور بود، که با وجود آگاهی و مشاهده ی مین گذاری، به موقع ناوهای انگلیسی را از جریان خبر نکردند.

ماده ۴ طرح مسئولیت بین المللی دولت مقرر نموده: «رفتار هر ارگان دولتی به موجب حقوق بین الملل فعل آن دولت تلقی می شود فارغ از اینکه آن ارگان کارکرد تقنینی، قضایی اجرایی یا کارکردی دیگر داشته باشد و اعم از اینکه ارگان مذکور در سازمان دولتی چه موقعیتی دارد و اعم از اینکه ارگان مذکور عضوی از دولت مرکزی باشد یا عضوی از واحد دولتی محلی»

ب) نقض تعهد بین المللی:

ماده ی ۲۱ «طرح مسئولیت بین المللی دولت» در تعریف نقض تعهد بین المللی میگوید: «هنگامی نقض تعهد بین المللی دولت محقق می شود که فعل دولت منطبق با آنچه که تعهد مقرر می کند، نباشد، فارغ از اینکه منشاء یا ماهیت تعهد چیست»





دولت آلبانی با وجود آگاهی از زمین گذاری در آب های سرزمینی اش (طی فرایندی که در دادگاه ثابت شد)، هیچ تلاشی برای هشدار به ناوهای انگلیسی نکرد و با این خودداری، در واقع اصول ذکر شده را نقض کرد. بنابراین دولت آلبانی در این پرونده واجد هر دو شرط عمل متخلفانه ی بین المللی (یعنی قابلیت انتساب به دولت و نقض تعهد) بوده و بدین ترتیب، دارای مسئولیت بین المللی بود.

نتیجه گیری:

جامعه بین المللی در قرن بیستم به این نتیجه رسید که شرط بقاء و تثبیت و گسترش مناسبات بین المللی، حرکت به سوی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی و منع هرگونه تهدید یا توسل است. در این راستا شیوه های سیاسی و شیوه های حقوقی حل و فصل اختلافات اهمیت بیشتری یافته است. در بین روشهای حقوقی حل و فصل اختلافات نیز شیوه قضایی و مراجعه به دیوان بین المللی دادگستری به علت اعتبار و پشتوانه اجرایی که دارد از جایگاه والاتری برخوردار شده است. در حقوق بین الملل اگر چه محدودیتهایی برای حاکمیت مطلق دولت ها ایجاد شده است، اما هنوز هم رضایت دولتها پایه اساسی و محکم حقوق بین الملل نوین است و احراز صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری، براساس رضایت دولتهای طرف اختلاف، رکن آغاز رسیدگی به یک دعوی است. البته طبق اظهارات دیوان: شکل و شیوه ابراز رضایت به صلاحیت دیوان چندان اهمیتی ندارد، بلکه نفس ابراز رضایت است که برای احراز صلاحیت دیوان و آغاز رسیدگی ماهوی ضرورت دارد. «توسعه ی صلاحیت دیوان از طریق تنوع و گستردگی شیوه های اعلام رضایت، میتواند جایگزین مناسبی برای هرگونه توسل یکجانبه به زور و تسهیل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات دولت ها با هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی باشد.

کمیسیون حقوق بین الملل تاکید کرده است که در حقوق بین الملل، تعهد می تواند به وسیله «قاعده عرفی بین المللی، معاهده، یا بر طبق نظر غالب به وسیله یک اصل کلی حقوقی ایجاد گردد.

این بدین معناست که احکام و قواعد حقوق مسئولیت بین المللی به هر دو نوع مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی بطور یکسان تسری می یابند

در پرونده ی کانال کورفو نیز، نقض تعهد دولت آلبانی آشکار است؛ زیرا همانطور که بیان شد نقض تعهد در مفهوم مسئولیت بین المللی تنها محدود به تعهدات معاهده ای و قراردادی نیست و دولت آلبانی نیز در این جریان اصول حقوقی عام الشمول را - که برای همه ی کشورها اعم از عضو سازمان ملل متحد یا غیر عضو الزام آور است - نقض کرده بود؛ اصولی که دیوان در رای خود نیز به آنها استناد کرده بود و بدین شرحند:

* اصل ملاحظات اولیه انسانی: مبتنی بر حقیقت و جوهره ی اساسی نوع انسان است و یک حداقل حقوق طبیعی محسوب میشود و رعایت این اصول اولیه انسانی همواره و تحت هر شرایطی الزام آور است.

* اصل ممنوعیت سوء استفاده از حق: مطابق این اصل، کشورها نمیتوانند نسبت بر سرزمین خود اعمال حاکمیت کنند اما نمیتوانند از این حق علیه حقوق سایر کشورها استفاده کنند.

* اصل عبور بی ضرر کشتی ها: عبور بیضرر یک اصل در کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهای است که به کشتیها اجازه میدهد بر اساس شروطی، از آبهای سرزمینی کشور تا زمانی که صلح، نظم یا امنیت کشور ساحلی به دیگر عبور کنند، این اصل بیان میدارد. مخاطره نیفتد، عبور، بیضرر است



محمدصادق عبدالحی

دانشجوی کارشناسی
حقوق دانشگاه اراک



sadeghabdolhay@gmail.com farichoobandian@gmail.com

فرناز چوبندیان

دانشجوی کارشناسی
حقوق دانشگاه اراک



بدین خاطر که اثبات جنون آنی در ایران معمولاً بسیار دشوار و پیچیده است چون برخلاف جنون ادواری که ما پرونده‌ی پزشکی متهم را در اختیار داریم ولی جنون آنی در یک لحظه و خارج از جنون ادواری و یا دائمی رخ می‌دهد و معمولاً قاضی آن را تایید نمی‌کند.

ین فیلم نه تنها پیچیدگی‌های حقوقی بلکه پیچیدگی‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و درگیری‌های عاطفی که انسان‌ها با آن مواجه هستند را بیان می‌کند.

هم‌چنین در این فیلم دادگاهی، نظام کامن‌لا را مشاهده می‌کنیم که از قاضی و هیئت منصفه تشکیل می‌شود و در اینجا وکیل به دنبال این است که نظر هیئت منصفه را جلب نماید تا بتواند پرونده خود را پیروز نماید که در سیستم حقوقی ما حضور هیئت منصفه محدود به برخی از جرائم خاص شده است مانند جرائم مطبوعاتی و در سایر جرائم حضور هیئت منصفه را نمی‌بینیم.

بصورت کلی می‌توان گفت با وجود اینکه متهم پرونده تبرئه شده اما همچنان نمی‌توان به این پاسخ قطعی دست یافت که آیا وکیل ما از یک انسان بی‌گناه دفاع کرده یا یک شخص گناهکار؟ که در جواب این سوال می‌توان گفت هدف کلی داستان فیلم نشان دادن تضادهای اخلاقی و بیان پیچیدگی‌های انسانی و همچنین مراحل دادرسی و صدور حکم است نه اینکه چه کسی گناهکار و یا بی‌گناه است.



هنرمایی جیمز استورات و به کارگردانی اُتو پرمینجر. این فیلم ۱۶۰ دقیقه‌ای، که ژانر درام-قانونی دارد، به صورت کاملاً پیچیده در حال کاوش بر روی یک پرونده قتل است که چهره تو در تو و پیچیده‌ای را برای مخاطب خود به نمایش می‌گذارد. موضوع این فیلم آن است که شخصی به دلیل تعرض به زن دیگری، به قتل رسیده و حال شوهر این زن که قاتل شخص است سعی در بیرون آمدن از این وضعیت دارد و وکیلی زبده و حرفه‌ای پرونده او را قبول می‌نماید.



فیلمی که شرح داده شد، فیلمی دیالوگ محور و مبتنی بر گفت و گوهای اشخاص است. تشریح یک قتل شرح حالی بر قانون، اخلاقیات حقوقی، برقراری عدالت و رفتارهای انسانی است.

در سراسر این فیلم نکات حقوقی جالب و آموزنده‌ای یافت می‌شود که می‌تواند جالب توجه باشد مثلاً می‌شود به صحنه‌های منازعه‌ی بین وکیل و دادستان اشاره کرد که می‌توان اوج فیلم را در دقایق پایانی آن دانست، ما هم گویی مانند هیئت منصفه به تماشای این پرونده نشستیم و همزمان با شنیدن ادله و دلایل دو طرف و اظهارات شهود در حال قضاوت و صادر کردن حکم این دعوا هستیم.

از نکات حقوقی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد بحث جنون آنی از حیث سلب مسئولیت کیفریست که بیان داشته است که جنون آنی در حین قتل در چه صورتی ممکن است سلب مسئولیت کیفری شناخته شود البته در حقوق ایران مطابق با ماده ۱۴۹ ق.م.اسلامی در صورتی جنون عامل سلب مسئولیت کیفری است که شخص فاقد اراده یا قوه تمییز باشد (در حین ارتکاب) این در صورتی است که در فیلم شخص ادعا می‌کند که هم اراده داشته هم خوب را از بد تشخیص می‌دهد است لذا طبق قانون ایران وی را می‌توان قاتل دانست.

منابع

- ۱_ فتاحی زفرقندی، سجاد، بررسی عوامل جرم و پیشگیری از آن، انتشارات فرزندگان دانشگاه.
- ۲_ مرادی زاده، کیوان، پیشگیری از جرم دیدگاه جرم شناسی، انتشارات قانون یار.
- ۳_ نیازپور، امیرحسین، پیشگیری از جرم، انتشارات نشر دادگستر.
- ۴_ دادستان، پریخ، روانشناسی جنایی، انتشارات سمت.
- ۵_ رضایی-غلامرضا، یاراحمدی-مسعود، شناسایی مولفه های موثر در جرم یابی با ت اکید بر پیشگیری از وقوع جرم.
- ۶_ احمدی موسوی، سید مهدی، تعامل پلیس با نهادهای پیشگیری از جرم .
- ۷_ کی نیا، مهدی، روانشناسی جنایی، انتشارات رشد.
- ۸_ شرح پرونده و رای دیوان بین المللی دادگستری در پرونده کانال کورفو در سایت رسمی دیوان
- ۹_ کتاب حقوق بین الملل خصوصی دکتر ضیایی بیگدلی، کتاب حقوق بین الملل دکتر الهویی نظری



راه های ارتباطی

وبلاگ:

<http://Araklawclub.blog.ir>

تلگرام:

https://t.me/Arak_law_club

جیمیل:

araklawclub۰۰@gmail.com

ایتنا:

https://eitaa.com/Arak_law_club

اینستاگرام:

http://instagram.com/arak_lawclub

